



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است.
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی www.wikifeqh.ir مراجعه فرمایید.



هجرت

هجرت_ که از آن به مهاجرت نیز تعبیر شده_ به معنای جدایی است.

فهرست مندرجات

- ۱ - منظور از هجرت
- ۲ - اهمیت هجرت
- ۳ - جایگاه هجرت در متون دینی
 - ۳.۱ - هجرت یک دستور سازنده اسلامی
 - ۳.۲ - هجرت حرکت ثمر بخش
 - ۳.۳ - هجرت مبدأ تاریخ
 - ۳.۳.۱ - تعیین کننده مبدأ تاریخ مسلمانان
- ۴ - اقسام هجرت
 - ۴.۱ - هجرت مکانی و ظاهری
 - ۴.۲ - هجرت بطنی و معنوی
- ۵ - انواع هجرت
 - ۵.۱ - برای فرگیری دانش
 - ۵.۲ - برای حفظ دین
 - ۵.۳ - از دست ظلم
 - ۵.۴ - از گناه
 - ۵.۵ - به سوی خدا
- ۶ - اهداف هجرت
- ۷ - آثار هجرت در راه خدا
 - ۷.۱ - امنیت
 - ۷.۲ - بخشودگی گناهان
 - ۷.۳ - رهائی از شرک
- ۸ - اوصاف مهاجران
 - ۸.۱ - ایمن و اخلاص
 - ۸.۱.۱ - اخلاص در راه خدا
 - ۸.۱.۲ - دنبال خشنودی الهی رفتن
 - ۸.۱.۳ - حفظ ایمن
 - ۸.۲ - پاکیزگی و طهارت درونی
 - ۸.۳ - هجرت کردن از گناه
 - ۸.۴ - هجرت کردن از تمایلات نفسانی
 - ۸.۵ - امام شناسی و ولایت مداری
 - ۸.۶ - انتخاب مکن مناسب
 - ۸.۷ - صبر و بردباری
 - ۸.۸ - توکل و امیدواری
 - ۸.۹ - صداقت در عمل
- ۹ - مهاجران نمونه
 - ۹.۱ - حضرت ابراهیم
 - ۹.۱.۱ - پادشاه هجرت حضرت ابراهیم
 - ۹.۲ - حضرت موسی
 - ۹.۲.۱ - پادشاه هجرت حضرت موسی
 - ۹.۳ - پیامبر اکرم
 - ۹.۳.۱ - آثار هجرت پیامبر اکرم
- ۱۰ - هجرت مسلمانان
 - ۱۰.۱ - هجرت محدود
 - ۱۰.۲ - راه آورد هجرت اول
 - ۱۰.۳ - هجرت گروهی
- ۱۱ - پادشاه مهاجران
 - ۱۱.۱ - جایگاه دنیوی و پادشاه اخروی
 - ۱۱.۲ - امنیت گسترده
 - ۱۱.۳ - بهشت جاودان و بخشش گناهان
 - ۱۱.۴ - روزی شایسته
 - ۱۱.۵ - بالاترین درجه نزد خداوند و سنگاری ابدی
- ۱۲ - پادشاه مرگ در موقع هجرت
- ۱۳ - بی آمد ترک هجرت
- ۱۴ - پانویس
- ۱۵ - منابع

۱ - منظور از هجرت

"هجرت" از مَلَّه "هجر" به معنای ترک و جدایی است، مهاجرت در اصل به معنای بریدن از دیگری و ترک وی است. [۱] راعب اصفهانی، مفردات راعب؛ «هجر»، ج ۱، ص ۵۳۶.

مهاجرت گاهی با **بَین**: «...وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ...»

[۱] نساء/سوره ۴، آیه ۳۴.

«در بستر از آنها دوری نمائید.»

یا با **زین** و **قلب**: «إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»

[۱۳] فرقان/سور ۲۵، آیه ۳۰.

«قوم من قرآن را رها کردند».

و گاهی برین از غیر با هر سه (بدن، زبان، قلب) است:

[۱۴] راعب اصفهانی، مفردات راعب؛ «هجر»، ج ۱، ص ۵۳۶.

«وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا»

[۱۵] مزمل/سور ۷۳، آیه ۱۰.

«در برابر آنچه (دشمنان) می‌گویند شکیبا باش و به طرزی شایسته از آنان دوری گزین!»؛ «...وَ الَّذِینَ هَلَجَرُوا...»

[۱۶] بقره/سور ۲، آیه ۲۱۸.

«...و کسانی که هجرت کردند...».

یعنی کسانی که از بلاد کفر به بلاد ایمان هجرت کردند.

که به همه اینها هجرت می‌گویند.

۲ - اهمیت هجرت

مسئله هجرت یکی از مهمترین مسائلی است که در آغاز اسلام، اساسی‌ترین نقش را در پیروزی حکومت اسلامی ایفا کرد و در همه زمانها از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است که از یک سو مؤمنان را از تسلیم در برابر فشار و خفقان محیط باز می‌دارد و از سوی دیگر عامل صدور اسلام به نقاط مختلف جهان می‌شود.

[۱۷] مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۹، ص ۴۰۲.

۳ - جایگاه هجرت در متون دینی

«هجرت» در زندگی بشر و پیشرفت علوم و بوجود آمدن تمدنها نقش تعیین کننده‌ای داشته و دارد؛ اسلام به عنوان آخرین دین الهی در ابعاد مختلف مسئله هجرت را مطرح کرده و بر آن پای فشرده است.

۳.۱ - هجرت یک دستور سازنده اسلامی

قرآن در بیش از ۱۴ آیه

[۱۸] آل عمران/سور ۳، آیه ۱۹۵.

[۱۹] انفال/سور ۸، آیه ۷۲.

[۲۰] انفال/سور ۸، آیه ۷۴.

[۲۱] انفال/سور ۸، آیه ۷۵.

[۲۲] توبه/سور ۹، آیه ۲۰.

[۲۳] نحل/سور ۱۶، آیه ۴۱.

[۲۴] نحل/سور ۱۶، آیه ۱۱۰.

به زبانهای مختلف دستور به هجرت داده است.

گاهی با زین ملامت، می‌گوید «مگر سرزمین خدا گسترده نبود، چرا دست به هجرت نزدیدی؟».

[۲۵] نساء/سور ۴، آیه ۹۷.

گاهی پادشاه عظیم آن را گوشزد می‌نماید و می‌فرماید: «الَّذِینَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّٰهِ وَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»

[۲۶] توبه/سور ۹، آیه ۲۰.

؛ «آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند درجه بزرگتری نزد خدا دارند و آنها رستگارانند».

۳.۲ - هجرت حرکت شریخش

کسی که در راه خدا هجرت کند، نقاط امن فراوان گسترده‌ای در زمین می‌یابد. «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِی سَبِیلِ اللّٰهِ یَجِدْ فِی الْاَرْضِ مَرَاغِمًا کَثِیرًا وَ سَعَةً...»

[۲۷] نساء/سور ۴، آیه ۱۰۰.

؛ «آن که در راه خدا هجرت کند، موضعهای بسیار وسیعی در زمین می‌یابد».

۳.۳ - هجرت مبدأ تاریخ

هجرت مبدأ تاریخ مسلمانان و زیر بنای حوادث سیاسی، تبلیغی و اجتماعی آنان است.

هر قوم و ملتی برای خود مبدأ تاریخی دارند؛ مثلاً، مسیحیان مبدأ تاریخ خود را میلاد حضرت مسیح علیه‌السلام قرار داده‌اند و در اسلام با این که حوادث مهمی مانند ولادت پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌آله، بعثت، فتح مکه و رحلت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌آله بوده، هیچ کدام انتخاب نشد و تنها زمان هجرت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌آله به عنوان مبدأ تاریخ انتخاب شد و مسلمانان تمام حوادث را با سال هجری تعیین می‌کردند.

۳.۳.۱ - تعیین کننده مبدأ تاریخ مسلمانان

طبری و یعقوبی نظرشان این است که در زمان **خلیفه دوم** که اسلام توسعه یافته بود، به فکر تعیین مبدأ تاریخی که جنبه عمومی و همگانی داشته باشد، افتادند و پس از گفتگوی فراوان نظر **علی** علیه السلام را دانه بر انتخاب هجرت به عنوان تاریخ پذیرفتند.

[۱۸۱] ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، مرکز انتشارات علمی، ۱۳۶۲، ترجمه دکتر ابراهیم آیتی، ج ۲، ص ۲۹.

[۱۹۱] ابن جریر طبری؛ تاریخ طبری، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ سوم ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳.

[۱۹۲] ابن جریر طبری؛ تاریخ طبری، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ سوم ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۵۱۶.

۴ - اقسام هجرت

۴.۱ - هجرت مکانی و ظاهری

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَلَجَرُوا وَ جَاهَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»
[توبه/سوره ۹، آیه ۲۰]

«آنها که ایمان آوردند و هجرت کردند، و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است و آنها پیروز و رستگارند.»
سخن حضرت ابراهیم (ع) که فرمودند: «...إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي...»

[۱۹۱] عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۲۶.

«...من بسوی پروردگارم هجرت می‌کنم...»

ناظر به همین گونه از هجرت است، دوری از وطن و رفتن به سرزمین غربت برای این بود که کسی مانع **یکتا پرستی** حضرت ابراهیم (ع) نشود.

[۱۹۲] طباطبائی، محمد حسین؛ المیزان، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۶، ص ۱۸۰.

۴.۲ - هجرت باطنی و معنوی

هجرت از «ظلمت» به «نور» و از «کفر» به «ایمان» و از «گناه و نافرمانی» به «اطاعت و فرمانبری» از مصادیق چنین هجرتی است که پیام اصیل و فراگیر پیامبران و کتابهای آسمانی همین است.

[۱۹۳] جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۵ ش، چاپ اول، ج ۱۱، ص ۴۱.

در احادیث می‌خوانیم مهاجرانی که جسمشان هجرت کرده اما در درون روح خود، هجرتی نداشته‌اند در صف مهاجران نیستند.

امام علی (ع) می‌فرماید: «يُقُولُ الرَّجُلُ هَاجِرْتُ وَ لَمْ يَهَاجِرْ إِنَّمَا الْمُهَاجِرُونَ الَّذِينَ يَهْجُرُونَ السَّيِّئَاتِ وَ لَمْ يَأْتُوا بِهَا»

[۱۹۴] مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، لبنان، مؤسسة الوفاء بیروت، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۹۷، ص ۹۹.

«بعضی‌ها می‌گویند مهاجرت کرده‌ایم در حالی که مهاجرت واقعی نکرده‌اند، مهاجران واقعی آنهایی هستند که از گناهان هجرت می‌کنند و مرتکب آن نمی‌شوند.»
همچنین آیه: «وَ الرَّجُلُ فَاهْجِرْ»

[۱۹۴] مدثر/سوره ۷۴، آیه ۵.

«از پلیدی دوری کن»، ناظر به همین هجرت است.

۵ - انواع هجرت

۵.۱ - برای فراگیری دانش

قرآن می‌فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ...»

[۱۹۵] توبه/سوره ۹، آیه ۱۲۲.

؛ «شایسته نیست مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان طایفه‌ای کوچ (و هجرت) نمی‌کند تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را **ببین** دهند؟»

در روایت به مسلمانان دستور داده‌اند که برای فراگیری علم اگر لازم باشد تا نقطه‌های دور دست همچون چین مسافرت و مهاجرت کنند.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ»

[۱۹۸] جز عاملی، و سائل الشیعه، بیروت، دار احباء التراث العربی، ج ۱۸، ص ۱۴.

[۱۹۹] بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۷.

[۲۰۰] بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸۰.

[۲۰۱] بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۲.

[۲۰۲] بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۱۵.

؛ علم کسب کنید اگر چه در چین باشد»

در این هجرت خداپسندانه هزاران **ملک طالب علم** را مشایعت می‌کنند، چنان که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يَطْلُبُ عِلْمًا شَيْعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتَعْفِرُونَ لَهُ»

[۲۰۳] مجتبی‌القرنی، بحار الانوار، تهران، المكتبة الإسلامية، ج ۱، ص ۱۷۰.

[۲۰۴] بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۸۲.

[۲۰۵] بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۲۱.

؛ کسی که از خانمش برای **کسب علم** خارج می‌شود، هفتاد هزار ملک او را بدرقه می‌کنند و برای او **استغفار** می‌نمایند»

۵.۲ - برای حفظ دین

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «مَنْ فَرَّ بِدِينِهِ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ وَلَنْ يَكُنْ شَيْراً مِنَ الْأَرْضِ اسْتَوْجَبَ أَجْرَهُ» [۲۶] مجموعه ورام، ج ۱، ص ۳۶.

[۲۷] بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳، ج ۱۹، ص ۳۱.
؛ کسی که برای حفظ **دین** و **آئین** خود از سرزمینی به سرزمین دیگر هجرت کند، استحقاق **بهشت** می‌یابد»

۵.۳ - از دست ظلم

قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً»

[۲۸] نحل/سوره ۱۶، آیه ۴۱.

؛ آنها که مورد **ستم** واقع شدند، و به دنبال آن در **راه خدا** مهاجرت اختیار کردند، جایگاه پاکیزه‌ای در دنیا به آنها خواهیم داد»

۵.۴ - از گناه

اصولاً روح هجرت مقس همان فرار از «**ظلمت**» به «**نور**» و از **کفر** به **ایمان**، از **گناه** و **نافرمانی** به **اطاعت** خدا است، و لذا در **احادیث** می‌خوانیم، مهاجرانی که جسمشان هجرت کرده اما در **درون** و **روح** خود هجرتی نداشته‌اند، در صف مهاجران نیستند، و به عکس آنها که نیازی به هجرت مکانی نداشته‌اند، اما دست به هجرت درونی زده‌اند، در زمره مهاجرانند.

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید: «وَيَقُولُ الرَّجُلُ هَاجَرْتُ وَلَمْ يُهَاجِرْ إِنَّمَا الْمُهَاجِرُونَ الَّذِينَ يَهْجُرُونَ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يَأْتُوا بِهَا

[۲۹] شیخ عیسی قمی، سفینه البحار، مکتبه السنائی، ماده هجر.

؛ کسی می‌گوید مهاجرت کردم در حالی که مهاجرت واقعی نکرده است، مهاجران (واقعی) آنها هستند که از **گناهان** هجرت کنند و مرتکب آن نشوند»

۵.۵ - به سوی خدا

در **قرآن کریم** از زبان **حضرت ابراهیم** علیه‌السلام (و بنا بر قوی از زبان **لوط** علیه‌السلام)

[۳۰] تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۳۹.

می‌خوانیم: «وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

[۳۱] عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۲۶.

؛ و (ابراهیم) گفت: من به سوی پروردگارم هجرت می‌کنم که او عزیز و **حکیم** است»

۶ - اهداف هجرت

از انواع هجرت، اهداف هجرت هم به دست می‌آید.

گاهی هجرت برای **کسب دانش** و **علوم** است (يَطْلُبُ عِلْماً)، گاهی به هدف **حفظ دین** (مَنْ فَرَّ بِدِينِهِ مِنْ أَرْضٍ...) و گاهی برای فرار از **ظلم** و **ظالم** (هَاجَرُوا... مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا) و گاهی برای رسیدن به **خداوند** (مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي) و زمانی برای فرار از **گناه** است (يَهْجُرُونَ السَّيِّئَاتِ) و همه اهداف گذشته یا به **نیت خدا** و (فی سبیل الله) است یا برای غیر خدا.

۷ - آثار هجرت در راه خدا

۷.۱ - امنیت

«وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعًا كَثِيرًا وَسَعَةً...»

[۳۲] نساء/سوره ۴، آیه ۱۰۰.

«کسی که در راه خدا هجرت کند جاهای امن فراوان و گسترده‌ای در **زمین** می‌یابد...»

طبق این آیه **اسلام** با صراحت دستور می‌دهد که اگر در محیطی بخاطر عواملی نتوانستید آنچه وظیفه دارید انجام دهید به محیط و منطقه امن دیگری مهاجرت کنید.

[۳۳] تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۹۰.

۷.۲ - بخشودگی گناهان

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

[۳۴] بقره/سوره ۲، آیه ۲۱۸.

«کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا **جهاد** نموده‌اند، آنها امید به **رحمت پروردگار** دارند و **خداوند** آمرزنده و مهربان است.»
بر پایه این آیه **مؤمنان** و مجاهدان همگی به رحمت الهی امید دارند البته مؤمنان اهل هجرت و جهاد در **راه خدا**، در مرتبه والا از رجای وثق و رحمت خاص برخوردارند.
[۴۵] تسنیم، ج ۱۱، ص ۴۱.

۷.۳ - رهائی از شرک

رهائی از محیط **شرک** آلود و **کفر** آمیز:
«إِذْ أَوْى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا»
[۴۶] **کهف/سوره ۱۸، آیه ۱.**
«زمانی را به خاطر بیاور که آن **جوانان** به غار پناه بردند و گفتند: «پروردگار! ما را از سوی خودت رحمتی **عطا** کن و راه نجاتی برای ما فراهم ساز.»

۸ - اوصاف مهاجران

در **تاریخ** بشریت، کسانی بیشترین نقش سازنده را داشته‌اند که حرکت و هجرت کرده‌اند.
هجرت **آدم** علیه السلام تاریخ بشر را، هجرت **موسی** علیه السلام تاریخ **یهودیت** را و هجرت **مسیح** علیه السلام سرنوشت **مسیحیت** را رقم زد و هجرت **پیامبر اکرم** صلی الله علیه و آله سرآغاز فصل نوینی برای بشریت شد و هجرت **علی** علیه السلام از **مدینه** به **کوفه** و هجرت **حسین بن علی** علیهما السلام از مدینه به **مکه** و از آنجا به **کربلا**، موجی شد که تمام حرکتها و موجها و هجرت گشتگان در او جمع آمد و همین طور **انمه** دیگر.
اوصاف مهاجران شایسته و راستین عبارت هست.

۸.۱ - ایمان و اخلاص

«**نیّت**» اسلخ خوبیها و بدیها است.
انگیزه انسان برای انجام افعال اختیاری، گوناگون است؛ بعضی از انگیزه‌ها برای تأمین نیازمندیهای مادی و **غزایز** حیوانی است، و بعضی از آنها برای ارضای عواطف اجتماعی و گاه انگیزه کارها و اقدامات انسان، **رضایت خداوند** و خشنودی او است.
اولین ویژگی مهاجران راستین، **اخلاص** و انگیزه الهی است که از **ایمان** آنها سرچشمه می‌گیرد.
بعضی آیت و روایت را در این زمینه عبارتند از:

۸.۱.۱ - اخلاص در راه خدا

در چند آیه از **قرآن** قید «فی سبیل الله» در **راه خدا** برای هجرت مهاجران ذکر شده است؛ مانند «وَالْحَاجِرُوا وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛

[۴۷] **بقره/سوره ۲، آیه ۲۱۸.**

«در راه خدا هجرت و **جهاد** کردند»

و «مَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافَعًا»

[۴۸] **نساء/سوره ۴، آیه ۱۰۰.**

«کسی که در راه خدا هجرت کند، در زمین جاهای امن... می‌یابد»

و مانند «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا... فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

[۴۹] **انفال/سوره ۸، آیه ۷۲.**

[۵۰] **انفال/سوره ۸، آیه ۷۴.**

«کسانی که **ایمان** آوردند و هجرت کردند... در راه خدا»

پیامبر اکرم فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّةِ وَ إِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَّا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ فَهَاجَرَتْهُ إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ مَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يَصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَبْتَزُّهَا فَهَاجَرَتْهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ»

[۵۱] **محمد باقر** مجلسی، بحار الانوار، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱۹، ص ۳۸-۳۹.

ای مرد! (ارزش و عدم ارزش) اعمال فقط با انگیزه‌ها است و فقط برای هر کس همان می‌ماند که **نیّت** کرده است. پس کسی که هجرتش به سوی خدا و رسولش باشد، پس هجرتش به سوی خدا و **رسول** او است و کسی که هجرتش به سوی دنیایی باشد که به آن برسد، و یا زنی که با او **ازدواج** کند، هجرتش به سوی همان چیزی است که به سوی آن هجرت کرده است.»

به همین جهت است که **ابراهیم** علیه السلام اعلان می‌دارد «أَنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي»

[۵۲] **عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۲۶.**

«به راستی به سوی خدایم هجرت می‌کنم»

و «أَنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي»

[۵۳] **صافات/سوره ۳۷، آیه ۹۹.**

«من به سوی خدای خود می‌روم»

آری مهم‌ترین صفت و ویژگی مهاجر آن است که هجرتش، تلاشش، تبلیغش و... همه برای خدا باشد و ایمانش از سر **تسلیم** و **رضایت خداوند**: «مَنْ خَلَّ فِي الْإِسْلَامِ طَوْعًا فَهُوَ مُهَاجِرٌ»

[۵۴] **کافی، ج ۸، ص ۱۴۸، حدیث ۱۲۶.**

هر کس داوطلبانه (و از سر تسلیم در مقابل رضایت خداوندی) به **اسلام** در آید، مهاجر است.»

۸.۱.۲ - دنبال خشنودی الهی رفتن

«لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا وَ يَتُصَرَّفُونَ فِيهِ لِيُخْرِجَهُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ»

۵۵] حشر/سوره ۵۹، آیه ۸.

؛ «(این اموال) برای فقیران مهاجری است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شده‌اند، در حالی که **فضل الهی** و رضای او را می‌طلبند و خدا و رسولش را یاری می‌کنند.» در این آیه سه صفت برای مهاجران خدایی ذکر شده است: دنبال فضل الهی بودن، خشنودی او را در خواست نمودن، و **خدا** و رسول او را **یاری** کردن؛ ولی در واقع همه این **صفت** به یک هدف؛ یعنی، **اخلاص** برمی‌گردد.

۸.۱.۳ - حفظ ایمان

قرآن کریم درباره **اصحاب کعبه**؛ **جوانمردان** مهاجر خداجو می‌فرماید: «وَ نَحْنُ نَفُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى وَ رَبَّنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ»

۵۶] کعبه/سوره ۱۸، آیه ۱۳.

۵۷] کعبه/سوره ۱۸، آیه ۱۴.

؛ «ما **داستان** آنها را به **حق** برای تو بازگو می‌کنیم، آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان **ایمان** آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم و دل‌های آنها را محکم ساختیم، در آن هنگام که **قیام** کردند و گفتند: **پروردگار** ما پروردگار آسمانها و زمین است.»
آیت فوق سراسر ایمان و **توحید** و انگیزه الهی **جوانان** مهاجر **کعبه** را بیان می‌کند.

۸.۲ - پاکیزگی و طهارت درونی

میبع مهاجر آن گاه سخنانش به دل‌ها راه خواهد یافت که از دل **پاک** برآید.

به همین جهت است که **پیامبران**، از جمله خاتم پیغمبران، آن گاه **وحی** را تلقی و دریافت می‌کنند که به اوج پاک‌ی رسیده باشند.

و بعد از دریافت **وحی** و راه یابی به عمق **کتب** تدوین، دستور راه یابی به **قلب** **کتب** **تکوین**، یعنی **انسان** را می‌یابند و به **پیامبر اکرم** صلی الله علیه و آله در روزهای اول **بعثت** دستور چنین هجرتی داده می‌شود. «وَ الرَّجْزُ فَاهْجُرْ»

۵۸] مدثر/سوره ۷۴، آیه ۵.

؛ «و از **پلیدی** دوری کن.»

هر چند این فرمان جنبه دفعی دارد نه رفعی؛ ولی به این مقدار این پیام را همراه دارد که مبلغان مهاجر باید هجرتی از **گناهان** داشته باشند و برخوردار از **طهارت** و **پاکی** روحی باشند.

۸.۳ - هجرت کردن از گناه

بدان جهت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَشْرَفُ الْهَجْرَةِ أَنْ تَهْجُرَ السَّيِّئَاتِ»

۵۹] محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۲، ص ۵۲۱.

برترین هجرت آن است که از گناهان هجرت کنی.»

آری یکی از بارزترین صفات مهاجران - که حتی نام هجرت به خود گرفته - دوری از **گناه** و **تمایلات نفسانی** است»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الْهَجْرَةُ هَجْرَتَانِ: إِحْدَاهُمَا أَنْ تَهْجُرَ السَّيِّئَاتِ وَ الْأُخْرَى أَنْ تَهَاجِرَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ رَسُولِهِ وَ لَا تَنْتَقِطُ الْهَجْرَةُ مَا تَقَبَّلَتِ التَّوْبَةَ؛ هَجْرَتٌ دُو كُورَةٍ اسْت: يَكِي از آنها اینکه از بدبها دوری کنی و دیگری آن است که به سوی خداوند متعال و رسولش هجرت کنی و تا زمانی که **توبه** پذیرفته می‌شود، هجرت قطع نمی‌شود.»

۶۰] محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۵۲۱، روایت ۶۳۳۸.

۶۱] میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۶۰۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَفْضَلُ الْهَجْرَةِ أَنْ تَهْجُرَ مَا كَرِهَ اللَّهُ»

۶۲] منتخب میزان الحکمه، ص ۵۲۱.

برترین هجرت آن است که فاصله بگیری از چیزی که خدا بد می‌داند.»

و فرمود: «أَفْضَلُ الْهَجْرَةِ أَنْ تَهْجُرَ السُّوءَ؛ برترین هجرت آن است که از **بیدی** هجرت کنی.»

۶۳] منتخب میزان الحکمه، ص ۵۲۱.

و فرمود: «الْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ الْخَطَايَا وَ الذُّنُوبَ؛ مهاجر کسی است که (از) خطاها و گناهان هجرت کند»

۸.۴ - هجرت کردن از تمایلات نفسانی

در اینجا به صورت حصر می‌فرماید تنها مهاجر کسی است که از خطاها و گناهان هجرت کند.

این نکته را هم اضافه کنیم که در هجرت و دوری از گناه، هجرت دیگری نهان است و آن هجرت از **شهوات** و **تمایلات** می‌باشد.

علی علیه السلام فرمود: «أَهْجُرُوا الشَّهَوَاتِ فَإِنَّهَا تَهْوِيَنَّكُمْ إِلَى رُكُوبِ الذُّنُوبِ وَ التَّهَجُّمِ عَلَى السَّيِّئَاتِ؛ از شهوات هجرت و دوری کنید، زیرا شهوات شما را به سوی ارتکاب گناهان و هجوم بردن بر زشتیها **هدایت** می‌کند.»

۶۴] غرر الحکم، حدیث ۲۵۰۵.

۸.۵ - امام شناسی و ولایت مداری

مسئله **امامت** و **ولایت** از مهم‌ترین مسائل اسلامی، بلکه اسلس و ریشه آن است.

بدین جهت امامت و **شناخت امام** در همه جا مطرح است، و همه مسائل به نوعی با مسئله امامت و ولایت مرتبط می‌باشد.

رسالت پیامبر، **اکمال دین**، تمام شدن نعمتها و حتی تأمین **هدف خافت**، بستگی به شناخت **امام** و امامت دارد.

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «مردم بی‌بیار باشید، خداوند **بننگان** را نیافرید مگر برای اینکه او را بشناسند، آن گاه که او را شناختند، **پرستش** کنند، وقتی که پرستش کردند از **عبادت** دیگران بی‌نیاز می‌شوند.»

یکی از یاران پرسید: «فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَمَمِهِمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛ [۶۵] محمد دشتی، فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۹۲.

[۶۶] شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۹، حدیث ۱.

[۶۷] محمد بن علی کراجکی، کنز الفوائد، ص ۱۵۱.

پس **شناخت خداوند** چیست؟ فرمود: «**شناخت** خداوند به این است که (اهل تمام زمانها، امامشان را بشناسند. امامی که) بر آنها **اطاعت** و **پیروی** از او **واجب** است» و در مسئله هجرت، یکی از ویژگیهای مهم مهاجر، مخصوصا مبلغان مهاجر، امامت و ولایت‌شناسی است. **علی** علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لَا يَفِئُ اسْمُ الْمُهَاجِرِ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ الْحُجَّةِ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ عَرَفَهَا وَ أَقَرَّ بِهَا فَهُوَ مُهَاجِرٌ؛ نام مهاجر را بر کسی نمی‌توان گذاشت جز آنکه **حجت** (خدا) بر روی زمین را بشناسد، هر کس او را شناخت و به او **اقرار** کرد، مهاجر است.» [۶۸] نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۱۸۹، ص ۳۷۲.

۸.۶ - انتخاب مکان مناسب

امام علی علیه السلام فرمود: «لَيْسَ بَدَأَ بِأَحَقِّ بِكَ مِنْ بَدَأَ خَيْرُ الْبِلَادِ مَا حَمَلَكَ؛

[۶۹] نهج البلاغه، حکمت ۴۴۲.

هیچ شهری برای تو شایسته تر از **شهر** دیگری نیست، بهترین شهرها آن (شهری) است که تو را پذیرا گردد. (و وسائل پیشرفت تو را فراهم سازد)» ولی با این همه سفار شها و یاد دقت در انتخاب مکانها، هجرت مشکلاتی را در پی دارد که باید با **صبر** و **بردباری** آنها را تحمل کرد.

۸.۷ - صبر و بردباری

قرآن کریم می‌فرماید: «فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ» [۷۰] آل عمران/سوره ۳، آیه ۹۵.

؛ «آنها که هجرت کردند و از سرزمین خود بیرون رانده شدند و در راه من **آزار** دیدند و **جنگ** کردند و کشته شدند (ولی همه را تحمل کردند) به یقین گناهان‌شان را می‌بخشم» و در **آیه** دیگری در توصیف مهاجران فرمود: «الَّذِينَ صَبَرُوا»؛

[۷۱] نحل/سوره ۱۶، آیه ۴۲.

[۷۲] نحل/سوره ۱۶، آیه ۱۱.

«آنها کسانی هستند که صبر و **استقامت** پیشه کردند»

خداوند به پیامبرش - که کوه صبر بود - به عنوان **مبلغ** دستور می‌دهد: «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا»؛

[۷۳] مزمل/سوره ۷۳، آیه ۱۰.

«و در برابر آنچه آنها (مخالفان و دشمنان) می‌گویند **شکیبایی** باش و با طرز زیبایی از آنها هجرت و دوری نما» مرحوم **طبرسی** می‌گوید: «این آیه **دلالت** می‌کند بر اینکه مبلغین (مهاجر) **اسلام** و **دعوت** کنندگان به سوی قرآن، باید در مقابل ناملایمت شکیبایی پیشه کنند و با **حسن خلق** و **مدار**، با مردم **معاشرت** نمایند تا سخنان آنها زودتر پذیرفته شود.»

[۷۴] ابوعلی طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۷۹.

۸.۸ - توکل و امیدواری

از دیگر ویژگیهای مهاجران **توکل** و **اعتماد** بر **خداوند** متعال می‌باشد.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛

[۷۵] بقره/سوره ۲، آیه ۲۱۸.

«و کسانی که هجرت کردند و در راه خدا **جهاد** نمودند، آنها امید به **رحمت** پروردگار دارند، و خداوند آمرزنده و مهربان است» چنان که **حضرت موسی** علیه السلام هنگام هجرت به مدین، سخنان **توکل** بر خدا بود.

قرآن می‌گوید: «هنگامی که متوجه جانب **مدین** شد، گفت: امیدوارم پروردگارم مرا به **راه راست** هدایت کند.»

[۷۶] قصص/سوره ۲۸، آیه ۲۲-۲۰.

۸.۹ - صداقت در عمل

یکی دیگر از صفات مهاجران که در موفقیت و نفوذ اجتماعی آنها نقش بسزای دارد، **راست‌گویی** و صداقت پیشگی است.

پیامبران مخصوصا پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله یکی از راه‌های موفقیت‌شان راست‌گویی بود؛ تا آنجا که **پیامبر اکرم** صلی الله علیه و آله معروف به «**امین**» شده بود؛ یعنی، در همه چیز و همه جا مورد اطمینان بود، و گفتار او سراسر **صداقت** بود.

قرآن درباره این ویژگی می‌فرماید: «لَقَدْ أَرَادَ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ... أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»؛ «این اموال برای مهاجران فقیری است که از سرزمین خود بیرون رانده شدند... آنها راستگویانند.»

نقش و کاربرد این صفت درباره مبلغان مهاجر بیشتر ظاهر می‌شود؛ چرا که نقل مطالب به دور از **تحریف** و خلاف واقع باشد.

در یک کلام، یک مبلغ مهاجر، در گفتار و رفتار خود باید **صادق** و **راستگو** باشد، و **عالم** و مبلغ راستین کسی است که رفتار او گفتارش را **تصدیق** کند و راستی آن را آشکار سازد. **علی** علیه السلام در توضیح سخن **خداوند** که می‌فرماید: «إِنَّمَا يُخَشَى اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»؛ «از میان **بنگن** خدا فقط **علماء** و **دانشمندان** از **خدا** می‌ترسند»

[۷۷] فاطر/سوره ۳۵، آیه ۲۸.

فرمود: «یعنی بالعلماء مَنْ صَدَّقَ فِعْلُهُ قَوْلَهُ وَ مَنْ لَمْ يُصَدِّقْ فِعْلُهُ قَوْلَهُ فَلَيْسَ بِعَالِمٍ؛ مقصود از علما کسی است که رفتار او گفتارش را تصدیق کند و کسی که رفتار او گفتارش را تصدیق نکند، پس عالم نیست.»

۹ - مهاجران نمونه

قرآن و روایت گاهی برای اهمیت هجرت به نمونه‌های عینی و عملی هجرت اشاره می‌کند.

۹.۱ - حضرت ابراهیم

حضرت ابراهیم علیه‌السلام بعد از جریان آتش سوزی نمود و انجام رسالت خویش در سرزمین بابل تصمیم گرفت به سوی شام هجرت کند. [۷۹] تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۵۲.

در قرآن آیت مختلفی به این مطلب اشاره دارد:

۱. «وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

[۸۰] عنکبوت/سور ۲۹، آیه ۲۶.

؛ گفت من به سوی خدای خود مهاجرت می‌کنم. او عزیز و حکیم است»

۲. «إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيِّدِينَ

[۸۱] صافات/سور ۳۷، آیه ۹۹.

؛ من به سوی خدای خویش می‌روم. بزودی مرا هدایت خواهد کرد»

۳. «وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ

[۸۲] انبیاء/سور ۲۱، آیه ۷۱.

؛ او (ابراهیم) و لوط را به سرزمینی که برای جهانیان پر برکت ساخته بودیم، نجات (و رهائی) بخشیدیم»

۹.۱.۱ - پادشاه هجرت حضرت ابراهیم

خداوند به عنوان پادشاه هجرت ابراهیم علیه‌السلام، بعد از آن به او نعمتهای بزرگی عطا فرمود:

۱. فرزندان لایق و شایسته که بتوانند چراغ ایمان و نبوت را در دودمان او روشن نگاهدارند.

۲. در دودمان حضرت ابراهیم علیه‌السلام [۶۱] و کتاب آسمانی قرار داد.

۳. پادشاه دنیوی همچون نام نیک و لسان صدق فی الاخرین به او عنایت فرمود.

۴. در آخرت او را از صالحان قرار داد.

قرآن به همین پادشاه اشاره دارد، آنجا که می‌فرماید: «وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

[۸۳] عنکبوت/سور ۲۹، آیه ۲۷-۲۶.

؛ و (ابراهیم) گفت: من به سوی پروردگارم هجرت می‌کنم که او عزیز و حکیم است و ما به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم، و در دودمانش نبوت و کتاب (آسمانی) قرار دادیم و پادشاه او را در دنیا دادیم و در آخرت از صالحان است»

خداوند بر اثر هجرت و تلاش ابراهیم علیه‌السلام تمام احوال ناراحت کننده او را به ضد آن و به بهترین حالت تبدیل نمود؛ بت پرستان بابل می‌خواستند ابراهیم را با آتش بسوزانند آتش گلستان شد.

آنها می‌خواستند او همیشه تنها بماند، خداوند آنچنان جمعیت و کثرتی برای او قرار داد که دنیا از دودمانش پر شد.

بعضی از نزدیکترین افراد به او - از جمله آنز - گمراه و بت پرست بودند، خداوند در عوض به او فرزندان داد که هم خود هدایت یافته بودند و هم هدایتگر دیگران شدند.

ابراهیم علیه‌السلام در آغاز مال و جاهی نداشت، اما خداوند در پایان مال و جاه عظیمی به او عطا کرد.

ابراهیم علیه‌السلام در ابتدا به قدری گمنام بود که حتی بت پرستان بابل هنگامی که می‌خواستند از او یاد کنند می‌گفتند: «سَمِعْنَا قَتْلَ يَبْرُكُ هُمْ يُقَالُ لَهُ إِبرَاهِيمُ»؛ «شنیدیم جوانکی گفتگوی بنتها را می‌کرد که به او ابراهیم گفته می‌شود» اما خدا آنچنان اسم و آوازهای به او داد که به عنوان شیخ الانبیا یا شیخ المرسلین معروف شد.

این همه بر اثر هجرت و تلاش او در راه خدا بود.

۹.۲ - حضرت موسی

حضرت موسی علیه‌السلام یکی از فرعونیان را کشت. این قتل ساده نبود؛ بلکه جرعه‌ای برای یک انقلاب و هجرت بود.

دستگاه فرعون نمی‌توانست به سلگی از کنار آن بگذرد که بر دگان بنی اسرائیل، قصد جان اربابان خود کنند! زیرا تکرار آن تهدیدی علیه حکومت وقت بود.

لذا جلسه مشورتی تشکیل دادند و حکم قتل موسی علیه‌السلام را صادر کردند.

در این هنگام یک حادثه غیر منتظره موسی علیه‌السلام را از مرگ حتمی رهائی بخشید. «مردی از نقطه دور دست شبر (از مرکز فرعونیان) با سرعت آمد و به موسی علیه‌السلام گفت: این جمعیت برای کشتنت به مشورت نشستند، فورا از شهر خارج شو که من از خیرخواهان توام

[۸۴] قصص/سور ۲۸، آیه ۱۷-۱۴.

موسی از شهر خارج شد، در حالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای. عرض کرد پروردگار! مرا از این قوم ظالم رهائی بخش. هنگامی که متوجه جانب مدین شد، گفت: امیدوارم پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند.

[۸۵] قصص/سور ۲۸، آیه ۲۲-۲۰.

آری موسی علیه‌السلام بعد از این که محیط را آلوده و نا امن تشخیص داد، تصمیم گرفت به سوی سرزمین «مدین» که شهری در جنوب شام و شمال حجاز و از قلمرو مصر و حکومت فرعونیان خارج بود هجرت کند.

موسی علیه‌السلام، جوانی که در ناز و نعمت بزرگ شده، باید دوران هجرت و سختی را پشت سر بگذارد و از تارهایی که قصر فرعون بر گرد شخصیت او تنیده بود، بیرون آید؛ در کنار مستضعفان قرار گیرد؛ درد آنها را با تمام وجودش احساس کند و آماده یک قیام الهی بر ضد مستکبران گردد.

۱. رسالت و نبوت.
۲. **کَلِمَ اللَّهِ** شدن. «**خداوند** فرمود: ای **موسی** تو را با رسالت‌های خویش و با سخن گفتنم بر مردم برگزیدم. [۸۶] اعراف/سوره ۷، آیه ۱۴۴.

۳. آسان کردن کارها.
۴. گره گشایی از زبان.
۵. فصاحت و بلاغت.
۶. وزارت برادر و....
این پادشاه در **آیت** ۲۴ تا ۳۶ **سوره طه** [۸۷] **طه/سوره ۲۰، آیه ۳۶-۲۴**.
بیان شده است.

۹.۳ - پیامبر اکرم

بعد از آن که سران **قریش** طبق پیشنهاد «**ابوجهل**» تصمیم گرفتند تا از تمام قبایل افرادی انتخاب شوند، و شبانه به طور گروهی به خانه **پیامبر** صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم حمله برند و او را قطعه قطعه کنند، **پیچ** نازل شد و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم را از نقشه‌های **مشرکان** آگاه ساخت، «وَأَذِمْ كُرْبُ بَكَ الدِّينَ كَفَرُوا لِيُنَبِّئُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ».
[۸۸] **انفال/سوره ۸، آیه ۳۰**.

«هنگامی که **کافران** ضد تو **حیله** کنند (و نقشه بکشند) تا تو را زندانی کنند یا بکشند یا **تبعید** نمایند، آنان با **خدا** از در **حیله** وارد می‌شوند و **خداوند** **حیله** می‌کند و خداوند بهترین **حیله** کنندگان است»

۹.۳.۱ - آثار هجرت پیامبر اکرم

بررسی **تاریخ** نشان می‌دهد که هجرت **پیامبر اکرم** صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم و **مسلمانان** و **جهاد**، دو عامل اصلی در پیروزی اسلام در برابر دشمنان نیرومند بود.
اگر هجرت نبود **اسلام** در محیط **خفقان** اور **مکه** از میان می‌رفت.
هجرت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم را از شکل منطقه‌ای بیرون آورد و در شکل جهانی قرار داد.
و آثار دیگری هم هستند که عبارتند از:
۱. توسعه اسلام و ازدیاد مسلمانان.
۲. تشکیل **مسلمین**.
۳. ایجاد **ارتش** اسلام.
۴. ایجاد مرکز قدرت برای مسلمانان.
۵. تشکیل **حکومت اسلامی** در **مدینه**، و تبدیل شدن **بیترب** (مدینه) به «**مَدِينَةُ الرَّسُولِ**».
۶. مهار **دشمنان** و سرکوب آنها (اعم از **مشرکین** و **یهودین**).
۷. بیرون آمدن اسلام از شکل منطقه‌ای و جهانی شدن و **عزت** آن.
۸. پیروزی‌های پی در پی و **فتح مکه**.
۹. فراهم آمدن زمینه **تربیت** انسانهایی چون **سلمان** و **ابانر** و **عمار** و ...

۱۰ - هجرت مسلمانان

مسلمانان دو بار هجرت کردند:

۱۰.۱ - هجرت محدود

گروه کوچکی از **مسلمانان** بعد از دین وضع رقت‌بار مسلمانان و شکنجه بی‌امان **مشرکان** و... مسئله را با **پیامبر** صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم مطرح کردند و از حضرت کسب **تکلیف** نمودند.
حضرت در پاسخ فرمود: «اگر به سرزمین **حبشه** **سفر** کنید، (برای شما بسیار سودمند خواهد بود) زیرا بر اثر وجود یک زمامدار نیرومند و **دادگر** در آنجا به کسی **سنت** نمی‌شود و آنجا سرزمین **دوستی** و **یاری** است و شماها می‌توانید در آن سرزمین بسر ببرید تا **خدا** فرجی برای شما پیش آورد».
«لَوْ حَرَجْتُمْ إِلَى أَرْضِ الْحَبَشَةِ لَأَبْطَلْتُمْ عَنْدَهُ أَحَدٌ وَهِيَ أَرْضٌ صَوِّ حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ لَكُمْ فَرَجًا مِمَّا أَنْتُمْ فِيهَا».
[۸۹] تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۴۶.
[۹۰] این هشام، سیره ابن هشام، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ ششم، ۱۴۱۸ هـ، ج ۱، ص ۳۴۹.

کلام پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم، چنان اثر کرد که در زمانی کوتاه آنهایی که آمادگی بیشتری داشتند، بار سفر بستند.
شبانه و مخفیانه، برخی پیاده و بعضی سواره راه **حبشه** را پیش گرفتند و مجموع آنها در این نوبت ده یا پانزده نفر بودند. چهره شاخص آنها **جعفر بن ابیطالب** بود و میان آنها چهار **زن** مسلمان نیز دیده می‌شد.
[۹۱] تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۴۶.

سخنان **جعفر بن ابیطالب** نزد **نجاشی** زمامدار حبشه چنان تاثیر گذاشت که شاه حبشه، از گفتار **جعفر** کاملاً خوشحال شد و گفت: «به خدا **سوگند**، **عیسی** را بیش از این مقامی نبود» ولی وزیران و اطرافیان منحرف، گفتار شاه را نپسندیدند و او علی‌رغم افکار آنها **عقاید** مسلمانان را تحسین نمود و به آنها **آزادی** کامل داد.

۱۰.۲ - ره‌آورد هجرت اول

در نتیجه هجرت این گروه از مسلمانان بذر اسلام در بیرون از **جزیره العرب** (از جمله قلب نجاشی) پاشیده شد، لذا در **سفر** بعدی جعفر به حبشه، به فرمان **رسول خدا** صلی‌الله‌علیه‌وآله، علنا نجاشی به اسلام دعوت شد و او نیز اجابت نمود و ایمان آورد.

به هنگام بازگشت جعفر و همراهان، چهل تن از اهل آن کشور که ایمان آورده بودند، به جعفر گفتند: به ما اجازه ده تا خدمت این پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برسیم و اسلام خود را بر او عرضه بداریم.

همراه جعفر به **مدینه** آمدند، هنگامی که **فقر** مالی مسلمانها را مشاهده کردند، به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله عرض کردند: ما اموال فراوانی در دیار خود داریم، اگر اجازه فرمایید به **کشور** خود بازگردیم و اموال خود را همراه بیاییم و با مسلمانان تقسیم کنیم، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اجازه فرمودند، رفتند و اموال خود را آوردند و میان خود و مسلمین تقسیم کردند، در این هنگام آیه‌های ۵۲ تا ۵۴ **سوره قصص**

[۱۱۱] **قصص/سوره ۲۸، آیه ۵۲-۵۴.**

نازل گردید و خداوند از آنها **تمجید** کرد.

[۱۱۲] **تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۳۹۳.**

۱۰.۳ - هجرت گروهی

قرآن از مهاجران یاد شده با عنوان «پیشگامان نخستین» یاد کرده است.

چنان که می‌فرماید: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ»

[۹۴] **توبه/سوره ۹، آیه ۱۰۰.**

؛ «پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت و آنها (نیز) از او خشنود شدند» و آیه ۴۱ **سوره نحل**: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا...»

[۹۵] **نحل/سوره ۱۶، آیه ۴۱.**

؛ «آنانی که در راه خدا هجرت کردند، بعد از آن که ستم شدند» در باره این گروه نازل شده است.

گاه به این هجرت، هجرت اولیه و به هجرت گروهی از **مسلمانان** که بعد از **صلح حدیبیه** و به دست آمدن یک محیط نسبتاً امن به **مدینه** هجرت نمودند، «هجرت ثانیه» گفته می‌شود، و گاهی بر هجرت تمام کسانی که بعد از **جنگ بدر** تا زمان **فتح مکه** به مدینه مهاجرت کردند، این عنوان اطلاق می‌شود

[۹۶] **تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۶۲.**

۱۱ - پادشاه مهاجران

از جمله نکاتی که دلالت بر رفعت جایگاه هجرت در اسلام دارد، پادشاهای عظیمی است که خداوند در **دنیا** و **آخرت** به مهاجران عنایت نموده است، که به برخی موارد اشاره می‌شود:

۱۱.۱ - جایگاه دنیوی و پادشاه اخروی

«وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»

[۱۱۷] **نحل/سوره ۱۶، آیه ۴۱.**

«آنها که پس از ستم‌دین در راه خدا، هجرت کردند، در این دنیا جایگاه (و مقام) خوبی به آنها می‌دهیم و پادشاه آخرت، از آن هم بزرگتر است اگر می‌دانستند.»

[۱۱۸] **ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص ۳۷۱.**

۱۱.۲ - امنیت گسترده

قرآن در این باره می‌فرماید: «مَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافَعًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يُجْرِحْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»

[۹۹] **نساء/سوره ۴، آیه ۱۰۰.**

؛ «و کسی که در راه خدا هجرت کند، نقاط امن فراوان و گسترده‌ای در زمین می‌یابد. کسی که از خانه‌اش به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او بیرون رود، سپس مرگش فرا رسد، پادشاه او بر خدا است و خداوند آمرزنده و مهربان است.»

در آیه ۱۱۰ **سوره نحل** می‌خوانیم: «لَنْ رُبِّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فَتِنَا أَنْ يَجَاهِدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ.»

[۱۰۰] **نحل/سوره ۱۱۰، آیه ۱۱۰.**

۱۱.۳ - بهشت جاودان و بخشش گناهان

«فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقَاتَلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ»

[۱۰۱] **آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۹۵.**

؛ «آنها که در راه خدا هجرت کردند و از خانه‌های خویش بیرون رانده شدند، و در راه من آزار دیدند و جنگ کردند و کشته شدند، به یقین گناهانشان را می‌بخشم و آنها را در باغهای

بهشتی که از زیر درختانش نهرها جاری است، وارد می‌کنم. این پاداشی است از طرف خداوند و بهترین پاداشها نزد پروردگار است»

۱۱.۴ - روزی شایسته

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَلَجُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»

[۱۰۲] انفال/سوره ۸، آیه ۷۴.

؛ «و آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند و آنها که (مهاجران را) پناه دادند و یاری نمودند، آنان **مؤمنانی** حقیقی‌اند. برای آنها **آمزش** و روزی شایسته‌ای است»

«وَالَّذِينَ هَلَجُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ، لِيُخَلِّطَهُمْ مُدْخَلًا بِرِضْوَانِهِ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ»

[۱۰۳] حج/سوره ۲۲، آیه ۵۸-۵۹.

؛ «و کسانی که در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند، خداوند به آنها **روزی** نیکویی می‌دهد، و خداوند بهترین روزی دهندگان است. خداوند، آنان را در محلی وارد می‌کند که از آن خوشنود خواهند بود و خداوند **دانا** و **بردبار** است»

۱۱.۵ - بالاترین درجه نزد خداوند و رستگاری ابدی

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَلَجُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ نَجَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّتْ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ»

[۱۰۴] توبه/سوره ۹، آیه ۲۲-۲۰.

؛ «و آنها که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا با اموال و جانهایشان جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است و آنها رستگارانند، پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت (خویش) و باغهایی (از بهشت) **بشارت** می‌دهد که در آن نعمتهای جاودانه دارند و همواره تا ابد در این باغها خواهند بود، زیرا **پاداش عظیم** نزد خداوند است»
به راستی عظیم‌ترین و برترین پاداشها را خداوند برای مهاجران **مؤمن** و **مجاهد** در نظر گرفته است.

۱۲ - پاداش مرگ در موقع هجرت

«...وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مَرَاغًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»

[۱۰۵] نساء/سوره ۴، آیه ۱۰.

«...و هر کس به عنوان مهاجرت به سوی خدا و **پیامبر** او، از خانه خود بیرون رود، سپس **مرگش** فرا رسد پاداش او بر خداست و **خداوند**، آمرزنده و مهربان است».
مهاجرت به سوی خدا و رسول کنایه از مهاجرت به سرزمین **اسلام** است سرزمینی که انسانها می‌توانند با **کتاب خدا**، **سنت** رسول خدا آشنا شده و سپس به آن دو **عمل** کنند.
[۱۰۶] المیزان ذیل آیه ۱۰۰ سوره نساء.

و چنین شخصی اگر در این **سفر** بمیرد پاداش او با خداوند آمرزنده و مهربان است.

خدای متعال در آیه دیگری به مهاجرینی که در راه خدا به مقام **شهادت** می‌رسند و یا حتی به مرگ طبیعی از دنیا می‌روند وعده «**رزق حسن**» داده است: «...لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا...»

[۱۰۷] حج/سوره ۲۲، آیه ۵۸.

«...خداوند به آنها روزی نیکویی می‌دهد».

«**رزق حسن**» همان نعمتهای **بهشتی** است چون بعد از مرگ، جز آخرت جایی نیست که آمی در آن از «رزق حسن» بهره‌مند بشود.

[۱۰۸] المیزان، ج ۱۴، ص ۵۶۵.

[۱۰۹] طبرسی، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ص ۱۴۸.

۱۳ - بی‌آمد ترک هجرت

«إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَالِبِينَ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا»

[۱۱۰] نساء/سوره ۴، آیه ۹۷.

«کسانی که فرشتگان (قبض ارواح) **روح** آنها را گرفتند در حالی که به خویشان **ستم** کرده بودند به آنها گفتند: شما در چه حالی بودید؟ (و چرا با اینکه **مسلمان** بودید، در صف **کفار** جای داشتید؟! گفتند: ما در سرزمین خود، تحت فشار و **مستضعف** بودیم. آنها (فرشتگان) گفتند: مگر سرزمین خدا، پهناور نبود که مهاجرت کنید؟ آنها (عذری نداشتند و) جایگاهشان **دوزخ** است و سرانجام بدی است»

با توجه به سیاق **آیت** مراد از «**ظلم**» در این آیه، ظلم به خویشان است و ظلم به خویشان در اثر روی گردانی از **دین خدا** و ترک برپاداری **شعائر الهی**، حاصل می‌شود و آن نیز در اثر **زنگی** در سرزمین **کفر** و **شرک** پدید می‌آید، انسان با زنگی در چنین محیطی عملاً راهی برای **آمزش** و عمل به **معارف دین** پیدا نمی‌کند.

پس **استضعاف** آنان بطور مطلق نبوده بلکه استضعافی بوده که خودشان خود را با سهل انگاری به آن دچار کردند و می‌توانستند با مهاجرت از سرزمین **شرک** به سرزمین **ایمان**، خود را از آن برهانند.

[۱۱۱] مجمع البیان، ج ۵، ص ۷۶.

۱۴ - پانویس

۱. ↑ **راغب اصفهانی**، مفردات راغب؛ «**هجر**»، ج ۱، ص ۵۳۶.

۲. ↑ **نساء/سوره ۴**، آیه ۳۴.

۳. [↑ فرقان/سور ۲۵ه، آیه ۳۰، «هجر»، ج ۱، ص ۵۳۶.](#)
۴. [↑ مزمل/سور ۷۳ه، آیه ۱۰.](#)
۵. [↑ بقره/سور ۲ه، آیه ۲۱۸.](#)
۶. [↑ مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۹، ص ۴۰۲.](#)
۷. [↑ آل عمران/سور ۳ه، آیه ۱۹۵.](#)
۸. [↑ انفال/سور ۸ه، آیه ۷۲.](#)
۹. [↑ انفال/سور ۸ه، آیه ۷۴.](#)
۱۰. [↑ انفال/سور ۸ه، آیه ۷۵.](#)
۱۱. [↑ توبه/سور ۹ه، آیه ۲۰.](#)
۱۲. [↑ نحل/سور ۱۶ه، آیه ۴۱.](#)
۱۳. [↑ نحل/سور ۱۶ه، آیه ۱۱۰.](#)
۱۴. [↑ نساء/سور ۴ه، آیه ۹۷.](#)
۱۵. [↑ توبه/سور ۹ه، آیه ۲۰.](#)
۱۶. [↑ نساء/سور ۴ه، آیه ۱۰۰.](#)
۱۷. [↑ ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، مرکز انتشارات علمی، ۱۳۶۲، ترجمه دکتر ابراهیم آیتی، ج ۲، ص ۲۹.](#)
۱۸. [↑ ابن جریر طبری؛ تاریخ طبری، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ سوم ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳.](#)
۱۹. [↑ ابن جریر طبری؛ تاریخ طبری، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ سوم ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۵۱۶.](#)
۲۰. [↑ توبه/سور ۹ه، آیه ۲۰.](#)
۲۱. [↑ عنکبوت/سور ۲۹ه، آیه ۲۶.](#)
۲۲. [↑ طباطبائی، محمد حسین؛ المیزان، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۶، ص ۱۸۰.](#)
۲۳. [↑ جواد آملی، عبدالله؛ تسنیم مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۵ ش، چاپ اول، ج ۱، ص ۴۱.](#)
۲۴. [↑ مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، لبنان، مؤسسة الوفاء بیروت، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۹۷، ص ۹۹.](#)
۲۵. [↑ منذر/سور ۷۴ه، آیه ۵.](#)
۲۶. [↑ توبه/سور ۹ه، آیه ۱۲۲.](#)
۲۷. [↑ حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۸، ص ۱۴.](#)
۲۸. [↑ بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۷.](#)
۲۹. [↑ بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۸۰.](#)
۳۰. [↑ بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۲.](#)
۳۱. [↑ بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۱۵.](#)
۳۲. [↑ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، تهران، المكتبة الاسلامیة، ج ۱، ص ۱۷۰.](#)
۳۳. [↑ بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۸۲.](#)
۳۴. [↑ بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۲۱.](#)
۳۵. [↑ مجموعه وزام، ج ۱، ص ۳۶.](#)
۳۶. [↑ بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳، ج ۱۹، ص ۳۱.](#)
۳۷. [↑ نحل/سور ۱۶ه، آیه ۴۱.](#)
۳۸. [↑ شیخ عبّاس قمی، سفینه البحار، مكتبة السنائی، مآذ هجر.](#)
۳۹. [↑ تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۳۹.](#)
۴۰. [↑ عنکبوت/سور ۲۹ه، آیه ۲۶.](#)
۴۱. [↑ نساء/سور ۴ه، آیه ۱۰.](#)
۴۲. [↑ تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۹۰.](#)
۴۳. [↑ بقره/سور ۲ه، آیه ۲۱۸.](#)
۴۴. [↑ تسنیم، ج ۱۱، ص ۴۱.](#)
۴۵. [↑ کهف/سور ۱۸ه، آیه ۱.](#)
۴۶. [↑ بقره/سور ۲ه، آیه ۲۱۸.](#)
۴۷. [↑ نساء/سور ۴ه، آیه ۱۰.](#)
۴۸. [↑ انفال/سور ۸ه، آیه ۷۲.](#)
۴۹. [↑ انفال/سور ۸ه، آیه ۷۴.](#)
۵۰. [↑ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱۹، ص ۳۸-۳۹.](#)
۵۱. [↑ عنکبوت/سور ۲۹ه، آیه ۲۶.](#)
۵۲. [↑ صافات/سور ۳۷ه، آیه ۹۹.](#)
۵۳. [↑ کافی، ج ۸، ص ۱۴۸، حدیث ۱۲۶.](#)
۵۴. [↑ حشر/سور ۵۹ه، آیه ۸.](#)
۵۵. [↑ کهف/سور ۱۸ه، آیه ۱۳.](#)
۵۶. [↑ کهف/سور ۱۸ه، آیه ۱۴.](#)
۵۷. [↑ منذر/سور ۷۴ه، آیه ۵.](#)
۵۸. [↑ محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۲، ص ۵۲۱.](#)
۵۹. [↑ محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۵۲۱، روایت ۶۳۳۸.](#)
- ۶۰.

۶۱. ↑ میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۶۰۲.
۶۲. ↑ منتخب میزان الحکمه، ص ۵۲۱.
۶۳. ↑ منتخب میزان الحکمه، ص ۵۲۱.
۶۴. ↑ غرر الحکم، حدیث ۲۵۰۵.
۶۵. ↑ محمد دشتی، فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۹۲.
۶۶. ↑ شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۹، حدیث ۱.
۶۷. ↑ محمد بن علی کر لکی، کنز الفوائد، ص ۱۵۱.
۶۸. ↑ نهج البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۱۸۹، ص ۳۷۲.
۶۹. ↑ نهج البلاغه، حکمت ۴۴۲.
۷۰. ↑ آل عمران/سور ۳، آیه ۱۹۵.
۷۱. ↑ نحل/سور ۱۶، آیه ۴۲.
۷۲. ↑ نحل/سور ۱۶، آیه ۱۱.
۷۳. ↑ مزمل/سور ۷۳، آیه ۱۰.
۷۴. ↑ ابو علی طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۷۹.
۷۵. ↑ بقره/سور ۲، آیه ۲۱۸.
۷۶. ↑ قصص/سور ۲۸، آیه ۲۰-۲۲.
۷۷. ↑ فاطر/سور ۳۵، آیه ۲۸.
۷۸. ↑ محسن فیض کاشانی، المحجة البيضاء، تهران، مکتبه الصدوق، ج ۱، ص ۱۳۵.
۷۹. ↑ تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۵۲.
۸۰. ↑ عنکبوت/سور ۲۹، آیه ۲۶.
۸۱. ↑ صافات/سور ۳۷، آیه ۹۹.
۸۲. ↑ انبیاء/سور ۲۱، آیه ۷۱.
۸۳. ↑ عنکبوت/سور ۲۹، آیه ۲۶-۲۷.
۸۴. ↑ قصص/سور ۲۸، آیه ۱۷-۱۴.
۸۵. ↑ قصص/سور ۲۸، آیه ۲۰-۲۲.
۸۶. ↑ اعراف/سور ۷، آیه ۱۴۴.
۸۷. ↑ طه/سور ۲۰، آیه ۲۴-۳۶.
۸۸. ↑ انفال/سور ۸، آیه ۳۰.
۸۹. ↑ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۴۶.
۹۰. ↑ ابن هشام، سیره ابن هشام، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ ششم، ۱۴۱۸ هـ، ج ۱، ص ۳۴۹.
۹۱. ↑ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۴۶.
۹۲. ↑ قصص/سور ۲۸، آیه ۵۴-۵۲.
۹۳. ↑ تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۳۹۳.
۹۴. ↑ توبه/سور ۹، آیه ۱۰.
۹۵. ↑ نحل/سور ۱۶، آیه ۴۱.
۹۶. ↑ تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۶۲.
۹۷. ↑ نحل/سور ۱۶، آیه ۴۱.
۹۸. ↑ ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص ۳۷۱.
۹۹. ↑ نساء/سور ۴، آیه ۱۰۰.
۱۰۰. ↑ نحل/سور ۱۶، آیه ۱۱۰.
۱۰۱. ↑ آل عمران/سور ۳، آیه ۱۹۵.
۱۰۲. ↑ انفال/سور ۸، آیه ۷۴.
۱۰۳. ↑ حج/سور ۲۲، آیه ۵۸-۵۹.
۱۰۴. ↑ توبه/سور ۹، آیه ۲۰-۲۲.
۱۰۵. ↑ نساء/سور ۴، آیه ۱۰۰.
۱۰۶. ↑ المیزان ذیل آیه ۱۰۰ سورہ نساء.
۱۰۷. ↑ حج/سور ۲۲، آیه ۵۸.
۱۰۸. ↑ المیزان، ج ۱۴، ص ۵۶۵.
۱۰۹. ↑ طبرسی، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ص ۱۴۸.
۱۱۰. ↑ نساء/سور ۴، آیه ۹۷.
۱۱۱. ↑ مجمع البیان، ج ۵، ص ۷۶.

۱۵ - منبع

دانشنامه موضوعی قرآن

دانشنامه موضوعی قرآن

دانشنامه موضوعی قرآن

